

فردی کردن مجازات‌ها در پرتو انگیزه شرافتمندانه

صادق رحیمی، دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

محمد روحانی مقدم، دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)

5239772649@iau.ir

چکیده

با مطالعه در مبانی فقهی و مقررات جزایی کشورهای خارجی و کشور اسلامی ایران انگیزه مجرم در تحقق جرم، عنوان مجرمانه و تعیین مجازات عادلانه تأثیرگذار شناخته شده است. بعضی از مجرمان با انگیزه شرافتمندانه و برخی دیگر همان جرم را با انگیزه شرورانه و انتقام جویی مرتکب می‌شوند. انصاف و عدالت قضایی اقتضاء می‌کند قاضی در اعمال مجازات نسبت به این دو نفر قایل به تفاوت شود. اعمال مجازات مجرم در عرف جامعه منوط به میزان سرزنش فرد مرتکب است. هرچه میزان سرزنش بیشتر باشد مجازات تشدید می‌شود و در بعضی موارد که مرتکب انگیزه شرافتمندانه دارد این میزان سرزنش به صفر می‌رسد و در مقابل چه بسا مرتکب مورد تحسین و تقدیر نیز قرار می‌گیرد که در این فرض از مجازات معاف و تبرئه می‌شود. سوال اصلی این تحقیق که به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته این است که انگیزه مجرمانه تا چه اندازه می‌تواند در حکم به مجازات یا سقوط و تخفیف مجازات اثرگذار بوده و چگونه قاضی می‌تواند با استناد به این موضوع، با مجرم برخورد داشته باشد؟ یافته اصلی تحقیق آن است که فردی کردن مجازات با انگیزه شرافتمندانه ریشه در حقوق جزایی غالب کشورها و حقوق کامن‌لا، مقررات بین‌المللی، متون فقهی و ریشه در وجدان انسان‌های با انصاف دارد. قاضی دادگاه برای صدور یک حکم عادلانه و منصفانه در محاکم جزایی باید انگیزه مجرم را احراز کند؛ از اینرو می‌توان گفت اصل تفرید در مجازات اقتضا می‌کند قضات محاکم با تحقیق و بررسی شخصیت مجرم اوضاع و شرایط حاکم در زمان وقوع جرم و انگیزه شرافتمندانه و یا شرورانه وی را احراز و مورد توجه جدی قرار دهند.

کلیدواژه: انگیزه شرافتمندانه، مجازات مناسب، فردی کردن مجازات، قصد مجرم

مقدمه

در هر فعل یا ترک فعلی که از یک انسان سر می‌زند انگیزه آن عمل بسیار موثر و انگیزه نکته شروع هر کار است. انگیزه یک کنش و میل باطنی است که قبل از عملیات فرد در باطن خودش یک حسابرسی و یک غایتی را در نظر دارد. انگیزه در واقع همان نیت است که در روایات اسلامی به آن تأکید شده و در بعضی از روایات چنین آمده است که نیت یک عمل بهتر از خود آن عمل است و بالعکس نیت یک کار زشت گاهی اوقات از خود آن کار زشت تر می‌نماید. نیت نقطه شروع هر کار است. زمانی که فرد در باطن وجود خویش موضوعی را نفوذ می‌دهد در واقع در عالم ذهن آن را می‌پروراند و گاهی اوقات برنامه‌ریزی می‌کند و سود و زیانش را مورد محاسبه قرار می‌دهد و پس از آن به عمل دست می‌زند و متعاقباً عمل مورد نظر را لباس فعل می‌پوشاند. در روایتی حضرت مسیح علیه السلام به حواریون فرمود: موسی بن عمران به شما امر کرد که زنا نکنید و من به شما امر می‌کنم که فکر زنا را در خاطر نیاورید. چه رسد به عمل زنا چرا که آن کس که فکر زنا کند مانند کسی است که در عمارت زیبا و مزین آتش روشن کند، دودهای تیره آتش زیبایی‌های عمارت را خراب می‌کند. اگرچه عمارت آتش نگیرد (مجلسی، ۳۳۱/۱۴؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۴۲). انگیزه یک کار خوب آن قدر اهمیت دارد که به فرد نشاط و شادابی تزریق و انگیزه گناه و جرم روح و روان فرد را به هم می‌ریزد.

در جرم‌شناسی احراز انگیزه مجرم بسیار مهم است و برخلاف عده‌ای که معتقدند انگیزه در تحقق جرم تأثیرگذار نمی‌باشد. در این مقاله تلاش ما بر آن است تا روشن سازیم انگیزه در تحقق اصل جرم و تعیین دقیق عناوین مجرمانه مؤثر خواهد بود. انگیزه موجب تشدید و یا تخفیف مجازات می‌شود. انگیزه موجب می‌شود مجرم بتواند از نهادهای ارفاقی چون تعویق مجازات، تعلیق مجازات و بتواند استفاده کند. انگیزه مجرم هرچه زشت‌تر باشد سرزنش مرتکب در عرف جامعه بیشتر است و در نهایت مجازات وی شدیدتر می‌شود. انگیزه شرافتمندانه در بعضی از موارد از عوامل موجهه ارتکاب جرم بوده و فرد مجرم از مجازات معاف می‌شود. انگیزه شرافتمندانه گاهی اوقات عنوان مجرمانه را از جرم غیر عمدی به جرم عمدی تغییر می‌دهد و موجب می‌شود مجازات مجرم تغییر کند. جرم در واقع یک پوسته و ظاهری دارد و یک باطن. به محض تحقق جرم در عالم خارج آن پوسته جرم نمایان می‌شود که در نگاه ابتدایی بسیار زشت و بد است، لکن پس از تأمل و بررسی دقیق و کشف باطن موضوع، گاهی اوقات نظر مشاهده کنندگان تغییر می‌یابد و به جای این که برای مجنی علیه دل بسوزانند و ناراحت شوند مرتکب جرم را مورد تقدیر و تحسین قرار می‌دهند. لذا قضات فرهیخته نباید در تحقق عنوان مجرمانه و تعیین مجازات به ظاهر جرم اکتفا کنند بلکه باید با تحقیقات قضایی و بررسی مقدماتی انگیزه فرد مجرم را احراز تا در دادرسی دچار اشتباه نشوند.

از نظر پیشینه تحقیق لازم به ذکر است که در خصوص فردی کردن مجازات، نوشته‌هایی پیش از این قابل دسترسی است از قبیل: مقالات متعددی در خصوص موضوع اصل فردی کردن مجازات‌ها نگاشته شده است که بایسته است به برخی از آنها مراجعه شود؛ از قبیل: مطالعه تطبیقی اصل فردی کردن مجازات‌ها در فقه جزایی اسلام و حقوق ایران با نگاهی به تحولات قانون مجازات اسلامی؛ یا مقاله: جلوه‌های اصل فردی کردن مجازات در نظام عدالت کیفری ایران؛ یا: اصل فردی کردن مجازات‌ها؛ تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه تر؟ و جایگاه اصل فردی کردن مجازات‌ها در میان اصول حاکم بر مجازات‌ها، اما در هیچ یک از آنها از منظر و مبنای «انگیزه شرافتمندانه» به موضوع نگاه نشده و مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته است که از این لحاظ مقاله حاضر می‌تواند در نوبه خود جدید بوده و مسبوق به سابقه محسوب نگردد.

۱.۱ فردی کردن مجازات‌ها

غالباً اصل فردی کردن مجازات با اصل شخصی بودن آن اشتباه می‌شود در حالی که این دو در ادبیات حقوقی تفاوت بنیادین دارند. بر اساس اصل شخصی بودن مجازات هرگاه شخصی مرتکب جرم شود مجازات منحصر به خودش است و به نزدیکان وی ارتباطی پیدا نمی‌کند، ولی اصل فردی کردن مجازات‌ها عبارت است از بررسی سوابق مجرم، اوضاع و احوال او در زمان ارتکاب جرم، انگیزه وی در تصمیم برای ارتکاب جرم و... در نهایت اعمال مجازات متناسب با شخصیت وی. به عبارت دیگر اصل فردی کردن مجازات بدین معنی است که شخصیت هر فرد جداگانه مورد مطالعه دقیق قرار گیرد، زیرا هر مجرم شخصیتی جدا از شخصیت دیگران دارد و جرم که لحظه‌های زندگی بزهکار را فرا گرفته است چیزی نیست مگر نشانه‌ای از شخصیت او و باید دانست که چرا مجرم در وادی رنج آور جرم قرار گرفته و رفتار خلاف قانون را مرتکب شده است و به چه طریق می‌توان به درمانش امیدوار بود. با توجه به مراتب، لازم است قاضی قبل از صدور حکم با ملاحظه جرم و پرونده شخصیت مجرم حکم عادلانه و مناسب صادر کند (رحیمی، ۱۳۹۰، ص ۱۵-۱۶). در هر صورت، طرح این بحث و پرداختن به تئوری فردی کردن مجازات، تا بدان حد اهمیت دارد که برخی معتقدند تشریح جایگاه اصل فردی کردن در فرایند دادرسی کشور، حلقه مفقوده توجه به این اصل مهم در نمایش نامه سرنوشت کیفری بزهکار روشن می‌گردد و آن در اعمال مجازات تبعی است (صبوری پور و دیگران، ۱۴۰۱: ۷۴).

۱.۲ انگیزه شرافتمندانه

انگیزه در لغت به معنای مسبب، باعث، علت، دلیل و آن چه کسی را به کاری برانگیزد تعریف شده است (روزبهرانی، ۱۴۰۲، ۲۱) در خصوص تعریف انگیزه استادان حقوق تعاریف متعددی ارائه کرده اند که به شرح زیر بدان اشاره می‌شود: کوشش درونی و میل پنهانی که انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می‌کند؛ عبدالحسین علی آبادی: مقصد نهایی که از طرف فاعل جرم تعقیب می‌شود؛ مهدی کی‌نیا: علت غایی یا هدف یا مقصد نهایی مورد نظر فاعل جرم؛ مهدی باهری: هدفی که در پشت عملی نهفته است (سلطان آبادی و دیگران، ۱۴۰۰، ۵۰)

انگیزه همان موتور محرک درونی است که مرتکب را به ارتکاب جرم تحریک می‌کند و این انگیزه می‌تواند شرافتمندانه باشد که از موجبات تخفیف مجازات است و یا شرورانه که از موجبات تشدید مجازات است. واژه‌هایی چون قصد و عمد با انگیزه در حقوق جزا با هم تفاوت دارند. قصد جرم همان اراده مجرم است که در قالب فعل یا ترک فعل ظهور می‌کند. انگیزه حالت روانی مجرم است که قبل از اراده و قصد مجرمانه به وجود می‌آید.

اما عمد همان سوء نیت خاص و قصد نتیجه جرم است که مجرم با ارتکاب جرم آن را اراده می‌کند. انگیزه جرم در افراد مختلف متعدد است اما سوء نیت و عمد به معنای قصد نتیجه در تمامی افراد مشابه است. تمام کسانی که فردی را می‌کشند مرگ او را خواستار اند، اما انگیزه آنان مس تواند متفاوت باشد. انگیزه شرافتمندانه به این معنا است که جرم با نیت تأمین اغراض ستودنی انجام می‌شود. برخلاف جمعی از حقوق دانان که به صورت مطلق معتقدند انگیزه در تحقق اصل جرم نقش

ندارد با بررسی دقیق به نظر می‌رسد نقش انگیزه در تحقق جرم و تعیین عنوان دقیق مجرمانه بسیار پررنگ است. در بعضی موارد انگیزه شرافتمندانه موجب زایل شدن مسؤولیت کیفری و برائت مرتکب می‌شود و یا در برخی موارد مثل قتل عمد که مجازات اولیه آن قصاص نفس است همین انگیزه آن را به مجازات تعزیری و دیه تغییر می‌دهد.

۲- جایگاه انگیزه شرافتمندانه در فقه و حقوق عرفی

۲.۱ جایگاه انگیزه شرافتمندانه در شرع

انگیزه شرافتمندانه در شرع هم در جرایم تعزیری تأثیرگذار است و هم در جرایم حدی. درباره جایگاه انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم در شرع بعضی از حقوق دانان به قاعده فقهی احسان تمسک می‌کنند. قاعده احسان مستفاد از آیه شریفه «ما علی المحسنین من سبیل» (توبه: ۹۱) است. بدین صورت که اگر فردی به خاطر انگیزه شرافتمندانه مرتکب جرمی شود چنین بزهکاری محسن است و قاعده مذکور ضمانت را از فرد محسن دفع کرده است. پس در این صورت جرمی مرتکب نشده است و خود محسن مورد تعقیب و پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرد (سعدی، مرتضوی ۱۳۹۲: ۶۸-۶۷).

در شرع مصادیقی وجود دارد که انگیزه شرافتمندانه در تعیین مجازات مؤثر است. آیه الله خوئی (ره): «من اراد الزنا بامرأه جاز لها قتله دفاعاً لنفسها و دمه هدر» کسی که اراده کرده است با زنی زنا کند (با عنف) چنان چه دفع این مرد منوط به قتلش باشد آن زن مجاز است آن مرد را به قتل برساند و خون مقتول هدر است (خوئی، بی تا: ۳۴۸/۱) در این فرض که مرتکب قتل چون با انگیزه شرافتمندانه که دفاع از ناموس و عرض است مرتکب قتل شده است عقوبت و مجازاتی متوجه آن نخواهد بود. مستند این مسأله و فتوا روایتی است که از وسائل الشیعه جلد ۱۹ باب ۲۳ از ابواب قصاص نفس حدیث ۱ که از امام صادق (ع) نقل شده است در خصوص مردی که قصد زنا با زنی را داشته و آن زن سنگی را به طرف او پرتاب کرده و به محل حساسی از بدنش برخورد و او را کشته است، حضرت فرمودند: خون آن مرد هدر است و زن مسؤولیتی ندارد.

آیه الله خوئی (ره) در کتاب مبانی تکمله المنهاج باب سرقت می‌گوید: «اذا دخل اللص دار شخص با لقهرو والغلبه جاز لصاحب الدار محاربه فلو توقّف دفعه عن نفسه او أهله او ماله علی قتله جاز له قتله و كان دمه ضایعاً ولا ضمان علی الدافع و يجوز الکف عنه فی مقابل ماله و ترکه قتله ... هرگاه دزدی با زور وارد خانه کسی شود بر صاحب آن خانه جایز است که با او درگیر شده و مبارزه کند و اگر دور کردن دزد از خود یا خانواده و یا اموالش منوط به قتل او باشد می‌تواند آن دزد را به قتل برساند. در این صورت خون دزد هدر است و دفاع کننده ضامن نخواهد بود و جایز است که در مقابل دادن مالش آن دزد را از خود و خانواده‌اش دور کند و مرتکب قتل او نشود خوئی، بی تا: ۳۴۸/۱).

در مسأله فوق انگیزه شرافتمندانه که همان دفاع از مال است از عوامل موجهه قتل شمرده شده است. چندین روایت بر همین مطلب دلالت می‌کند از جمله معتبره غیاث بن ابراهیم از امام جعفر صادق از پدرش علیهما السلام که فرمودند: هرگاه مردی به منزل تو وارد شد و قصد صدمه به خانواده و مال تو را داشت اگر توانستی تو پیش دستی کن و ضربه ای به او بزنی، زیرا دزد با خدا و رسول (ص) در جنگ است و هر صدمه‌ای که در دفاع از خود و خانواده‌ات به او برسد من پاسخگوی آن هستم.

لازم به ذکر است طبق فتوای فقهای عظام در دو مسأله فوق (زنا و سرقت) در صورتی قتل جایز و مرتکب مجازات نمی‌شود که دفع سارق و زانی منوط به قتل باشد و چنانچه دفع خطر به کمتر از قتل ممکن باشد و مرتکب از مراتب دفاع تخطی کرده باشد در این فرض علاوه بر تعزیر باید دیه پرداخت کند. مرحوم امام خمینی (ره): لو تعدی عما هو الکافی فی الدفع بنظره و واقعاً فهو ضامن علی الأحوط. اگر در مقام دفاع از آن حدی که به نظر خودش و واقعاً در دفع او کافی است تجاوز کند او ضامن است علی الأحوط. مراد از ضمانت در این خصوص ظهور در مجازات مدنی و همان دیه دارد (خمینی، بی تا: ۳۳۲).

در مسأله مذکور انگیزه شرافتمندانه (دفاع) عامل تخفیف و تغییر مجازات از قصاص نفس به تعزیر و دیه شده است.

۱.۱.۲ انگیزه شرافتمندانه در قرآن

در خصوص جایگاه انگیزه شرافتمندانه در قرآن می‌شود به داستان حضرت موسی با حضرت خضر علیهما السلام در سوره کهف در آیات ۶۶ تا ۸۲ اشاره کرد.

در آیات مذکور خداوند حکیم برای پیامبر خاتم صلی الله چنین بیان می‌فرماید:

حضرت موسی (ع) از حضرت خضر (ع) تقاضا کرد آیا من اجازه دارم از تو پیروی کنم تا از آن چه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است به من بیاموزی؟ با کمال تعجب حضرت خضر (ع) فرمود تو هرگز توانایی نداری با من شکیبایی کنی، تو چگونه می‌توانی در برابر چیزی که از رموزش آگاه نیستی شکیبا باشی؟ موسی (ع) از شنیدن این پاسخ ناراحت شد و گفت به خواست خدا مرا شکیبا خواهی یافت و قول می‌دهم که در هیچ کاری با تو مخالفت نکنم. جناب خضر (ع) از موسی (ع) تعهد گرفت و به او اخطار کرد و گفت پس اگر می‌خواهی به دنبال من بیایی سکوت محض باش، از چیزی سوال مکن تا خودم به موقع آن را برای تو بازگو کنم. موسی (ع) این تعهد مجدد را سپرد و در معیت استاد به راه افتاد و هر دو سوار کشتی شدند. در مسیر راه جناب خضر (ع) کشتی را سوراخ کرد موسی (ع) گفت: آیا کشتی را سوراخ کردی که اهلش را غرق کنی؟ راستی چه کار بدی انجام دادی. جناب خضر (ع) به موسی (ع) گفت: نگفتم تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبایی کنی؟ موسی (ع) در مقام عذرخواهی برآمد و سفر دریایی آنها تمام شد. از کشتی پیاده شدند و به راه خود ادامه دادند. در مسیر راه به نوجوانی رسیدند و حضرت خضر (ع) آن نوجوان را کشت. در اینجا بار دیگر موسی (ع) از کوره در رفت و تعهد خود را فراموش کرد و زبان به اعتراض گشود و گفت آیا انسان بی‌گناه را کشتی؟ به راستی کار زشتی انجام دادی و حضرت خضر (ع) فرمود اینک وقت جدایی من و تو است. اما اسرار کارهای خود را برای تو بازگو می‌کنم. اما کشتی که سوراخ کردم به گروه مستمندی تعلق داشت که با آن در دریا کار می‌کردند. من می‌خواستم آن را معیوب کنم تا به ساحل برگردد و می‌دانستم در پشت سر آن پادشاهی ستمگر است که هر کشتی سالمی را به زور می‌گیرد. اما آن نوجوان که پدر و مادرش با ایمان بودند و بیم داشتم که این نوجوان پدر و مادر خود را از راه ایمان بیرون ببرد و به طغیان و کفر وادارد، از این رو خواستم که پروردگارشان فرزند پاک تر و با محبت تر به جای او به آنها عطا فرماید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۳۱۹-۳۲۸).

با دقت در این حکایت قرآنی کار جناب خضر(ع) همان طور که حضرت موسی(ع) فرمودند به نظر می‌رسید زشت، گناه و جرم باشد. لکن چون انگیزه شرافتمندانه داشت مورد عتاب و عقوبت الهی قرار نمی‌گیرد.

در قرآن آیات دیگری وجود دارد که اشاره به این انگیزه شرافتمندانه دارد، از جمله آیات الهی در سوره شوری آیه ۴۱ خداوند می‌فرماید: «و لمن انتصر بعد ظلمه فأولئك ما عليهم من سبيل: کسی که انتقام گیرد بعد از ستمی که به او شده پس بر آنان راه و سرزنش نمی‌باشد.»

از این آیه شریفه استفاده می‌شود اگر کسی مورد ظلم قرار گرفت در مقام انتقام مرتکب عملی شود مورد سرزنش و عتاب قرار نمی‌گیرد چون انگیزه شرافتمندانه که همان امتحان و پاسخگویی به ظلم باشد را داشته است. از آیات الهی در قرآن مجید در باب مبارزه با مشرکان و قتل آنان به منظور برچیدن بساط فتنه در روی زمین همین معنای انگیزه شرافتمندانه استفاده می‌شود که به جهت رعایت ایجاز از ذکر آنها خودداری می‌شود

۲.۱.۲ انگیزه شرافتمندان در روایات و سیره معصومین(ع)

انگیزه همان طور که اشاره شد همان حالت درونی و کشش باطنی است که در روایات از آن به نیت و داعی تعبیر شده است. نیت یک عمل (خوب یا بد) در پاداش و عقوبت بسیار موثر است که به شرح زیر به چند روایت اشاره می‌شود.

حدیث اول: پیامبر گرامی(ص): «ان الله لا ينظر الى صوركم و اعمالكم و انما ينظر الى قلوبكم و نيآتكم: خداوند به شکل و قیافه شما نظر نمی‌کند بلکه توجه او تنها به دل‌ها و نیت‌های شماست (شعیری، بی تا: ۱۰۰/۱).

حدیث دوم: حضرت علی(ع): «الراضی بفعل قوم كالداخل فيه معهم: کسی که از عمل قومی راضی و خوشنود باشد همانند کسی است که آن عمل را مرتکب شده است (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴).

حدیث سوم: امام صادق(ع): «إنما خُلد أهل النار في النار لأن نيأتهم كانت في الدنيا أن لو خلدوا فيها أن يعصوا الله أبداً، و إنما خُلد أهل الجنة في الجنة لأن نيأتهم كانت في الدنيا أن لو بقوا فيها أن يطيعوا الله أبداً، فبالنيات خلد هؤلاء و هؤلاء - ثم تلا قوله تعالى - قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ، قال: علي نيته: امام صادق عليه السلام: دوزخیان از این رو در آتش جاویدانند که در دنیا نیتشان این بود که چنانچه تا ابد زنده بمانند تا ابد خدا را نافرمانی کنند و بهشتیان نیز از این رو در بهشت جاویدانند که در دنیا بر این نیت بودند که اگر برای همیشه ماندگار باشند، برای همیشه خدا را فرمان برند. پس، جاودانگی هر دو گروه به سبب نیت‌هایشان است. آن گاه حضرت این آیه را تلاوت کرد: «بگو هر کس طبق شاکله خود عمل می‌کند» و فرمود: یعنی طبق نیت خود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۵/۲، حدیث ۵).

غیر از روایات باب نیت احادیث دیگری از معصومین سلام الله علیهم وجود دارد که از مجموع آنان استفاده می‌شود اگر کسی قصد احسان و یا اصلاح و یا در واقع انگیزه شرافتمندانه داشته باشد مورد مجازات قرار نمی‌گیرد که در این خصوص به دو روایت ذیل اشاره می‌شود.

۱- از امیرالمومنین (ع) نقل شده: الجزء علی الأحسان بالاساءة كفران، یعنی پاداش احسان را به بدی دادن نادیده گرفتن نعمت است (آمدی، ۱۴۱۰: ۶۶/۱). در این مورد چنین استدلال شده است که مسؤول دانستن شخص محسن نسبت به کارهایی که به قصد و انگیزه خیر انجام داده است اسائه محسوب می‌شود و مشمول این حدیث خواهد بود که به صراحت زشت و ناپسند شمرده است.

۲- روایت سکونی از امام جعفر (ع) عن ابیه (ع):

ان رجلا شردله بعیران فاخذهما رجل فقرنهما فی جدل فاختنق احدهما و مات فرفع ذلک الی علی (ع) فلم یضمنه و قال انما اراد الاصلاح.

در این روایت درباره شخصی پرسیده شده است که هر دو شتر او گریخته و شخص دیگری آنها را پیدا می‌کند و در یک طناب می‌بندد، ولی یکی از دو شتر در اثر کشیدن طناب خفه می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: شخص یابنده ضامن نیست زیرا کار او انسان دوستانه بوده است.

و جمله انما اراد الاصلاح را که یک قاعده کلی است می‌فرماید و بدین معناست که هر کس به مصلحت کاری انجام دهد ضمانتی بر او نیست هر چند موجب خسارت شود (کربلایی و کیخواه، ۱۴۰۲: ۸۰)

در سیره معصومه صلوات الله علیهم اجمعین نیز مواردی اشاره می‌شود که انگیزه شرافتمندانه بسیار پررنگ و نقش آفرین است. از جمله تخریب مسجد ضرار در زمان حضرت رسول (ص) و حکم به کندن درخت ثمره بن جندب در زمان آن حضرت که به شاکی فرمود برو درخت خرما را بکن و پیش او بینداز (رحمانی مهری، ۱۳۸۲: ۱۵۴)

امام صادق (ع) درباره شخصی که به قصد اضرار به دیگری اجناس خود را به قیمت کمتری می‌فروخت فرمود: ما سعر امیرالمومنین علیه السلام علی احد و لکن من نقص عن بیع الناس قیل له: بع کما بیع الناس و الافرغ من سوق امیرالمومنین (ع) جنس هیچ کس را قیمت گذاری نکرد، ولیکن به کسی که کم فروشی کند گفته می‌شود آن گونه که دیگران می‌فروشند بفروش والا از بازار خارج شود (رحمانی، ۱۳۸۲: ۱۴۷)

در روایات اخیر خارج کردن فرد از بازار با این انگیزه بوده که موجب ضرر به دیگر فروشندگان نشود و در روایت ثمره بن جندب حکم کندن درخت با این هدف بود که موجب اضرار به دیگران نشود. از دو روایت اخیر هم نقش انگیزه شروانه مشخص می‌شود و هم نقش انگیزه شرافتمندانه. انگیزه شروانه نسبت به ثمره بن جندب بود که بدون اطلاع و به بهانه سرکشی از درخت خویش وارد حریم منزل شاکی می‌شد و در روایت دوم با انگیزه و ضرر رساندن به دیگران جنس خودش را ارزان می‌فروخت.

۲.۲ گستره انگیزه شرافتمندانه در حقوق عرفی

انگیزه در نظام‌های حقوقی کامن لا بر خلاف نظام‌های حقوقی رومی ژرمنی از قبل مورد توجه بوده است و قضات دادگاه‌ها و دکتربین حقوقی این کشورها به مفهوم انگیزه پرداخته‌اند. ولی در کشورهای دارای نظام حقوقی رومی ژرمنی مانند فرانسه به عنوان یک اصل انگیزه را در تحقق جرم دخیل نمی‌دانند و به این اصل استثنائاتی را وارد کرده‌اند. به طور مثال در حقوق کیفری ایتالیا در ماده ۱۳۳ مقررات کیفری قاضی را ملزم می‌داند به انگیزه‌هایی که فرد را به ارتکاب جرم سوق می‌دهد توجه کند و یا در ماده ۴۸ مقررات کیفری سوئیس وجود انگیزه قابل احترام برای ارتکاب جرم را یکی از حالت‌ها دانسته که قاضی می‌تواند مجازات جرم را تا حداقل مجازات تقلیل دهد ولی در حقوق کیفری فرانسه با تکیه بر اصل عدم تأثیر انگیزه در حقوق کیفری قانون گذار بدون توجه به انگیزه مرتکب همیشه یک مجازات واحد را برای یک جرم خاص پیش‌بینی می‌کند. به عنوان مثال در ماده ۱۶-۲۲۲ مجموعه قوانین و مقررات کیفری مزاحمت‌های تلفنی مکرر به منظور برهم زدن آرامش دیگری جرم انگاری شده است اما برای انگیزه شخص مزاحم اهمیت خاص قائل نشده است یا در ماده ۳-۲۲۲ مجازات قتل با سبق تصمیم حبس جنایی موبد است و انگیزه قاتل هرچه باشد اهمیتی ندارد.

در حقوق انگلستان علل موجهه تحت عنوان دفاعیات موجه به کار گرفته می‌شود و هر رفتاری که موجه قلمداد شود مورد تایید رویه قضایی کشور قرار گرفته یا لافل به عنوان یک رفتار قابل قبول تحمل می‌شود. در حقوق کامن لا در بحث دفاع مشروع فقط یک نوع از دفاع مشروع یعنی دفاع از نفس به رسمیت شناخته شده بود و در مواردی کاربرد داشت که مدافع تا جایی که امکان داشته کوتاه آمده اما از سرناچاری و به عنوان آخرین راه از خود دفاع کرده است.

به طور کلی حقوق کیفری انگلستان در مبحث دفاع مشروع تحت تأثیر ماده ۲ کنوانسیون حقوق بشر ۱۹۹۸ قرار گرفته و به عنوان یک اصل کلی تا جایی که امکان داشته باشد شخص وظیفه دارد از مجروح کردن و کشتن افراد پرهیزد، لیکن این وظیفه تنها تا جایی ادامه دارد که دولت قادر به حمایت از شهروند باشد. ولی زمانی که دولت قادر به حمایت از شهروند نباشد شهروند می‌تواند از خود دفاع کند و این حق برای او محفوظ و مورد تأیید است.

در رویه قضایی حقوق کیفری انگلستان قتل عمدی ناشی از تحریک مقتول را با توجه به انگیزه مرتکب از موضوع قتل عمد خارج دانسته و آن را قتل غیر عمد محسوب داشته است. ولی اگر این قتل با انگیزه شرارت و انتقام جویی اتفاق افتاد آن قتل عمدی شمرده است، با این استدلال که در این خصوص فقط قتلی غیر عمد محسوب می‌شود که در اثر تحریک موثر و کافی مقتول ایجاد شده باشد. البته در برخی از پرونده‌ها هیجانانگیز دیگری از جمله ترس و وحشت و یا در ماندگی و استیصال نیز مورد حکم واقع شده و به عنوان انگیزه موثر قتل عمد را به غیر عمد تقلیل داده است. (حاجی آبادی و حامدی محمدی، ۱۳۹۷: ۲-۴).

۲.۲.۱ انگیزه شرافتمندانه در حقوق ایران

در حقوق جزایی ایران انگیزه در تعیین مجازات جایگاه بسیار پررنگی دارد. انگیزه شرافتمندانه موجب تخفیف مجازات و در بعضی موارد عامل زایل کردن مجازات می‌شود و در بعضی از موارد نیز انگیزه عنوان مجازات را تغییر و یا از اسباب تشدید مجازات می‌شود. همان طوری که انگیزه شرافتمندانه موجب تخفیف مجازات می‌شود انگیزه شرورانه نیز موجب تشدید

مجازات خواهد شد. تمام صور مذکور در قانون جزایی ایران قابل مشاهده است. قانون گذار در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در بند پ ماده ۳۸ یکی از جهات تخفیف را وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم ذکر کرده است در بند الف ماده ۴۰ قانون مذکور وجود انگیزه شرافتمندانه را در جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ موجب تعویق صدور حکم به مدت شش ماه تا دو سال اعلام می‌دارد.

جرم موضوع ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی " هر کس با هر مرام، دسته، جمعیتی یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اراده نماید که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود"

همان طوری که از ظاهر این قانون مشخص است با هدف برهم زدن امنیت کشور به عنوان یک انگیزه شروانه در تحقق جرم و مجازات دخالت دارد. صرف تشکیل به مجمع چه بسا عنوان مجرمانه نداشته باشد.

در رویه محاکم قضایی ایران با توجه به حداکثر و حداقل مجازات جرایم تعزیری قضات انگیزه را در تعیین مجازات مد نظر قرار می‌دهند. بنابراین قضات برای این که یک دادرسی عادلانه و اعمال مجازات منصفانه داشته باشند لازم است انگیزه مجرم را با تحقیقات و بررسی احراز کنند.

انگیزه مجرم حکایت از شخصیت وی دارد و مجازات متناسب با لحاظ شخصیت مجرم معنا پیدا می‌کند. ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی " محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنهاست، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد."

هر گاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمدی نداشته باشد و نیز کسی که به سوی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود محارب محسوب نمی‌شود. در ماده مذکور انگیزه نامشروع که قصد جان، مال، ناموس یا ارباب مردم باشد در تحقق اصل عنوان مجرمانه موثر است و اگر کسی انگیزه او شخصی باشد عنوان مجرمانه از محاربه به تهدید فرد تغییر می‌کند. در نتیجه در این ماده انگیزه جرم هم در عنوان مجرمانه نقش دارد و هم در مجازات زیرا اگر محاربه محقق باشد مجازات آن یکی از مجازات‌های چهارگانه مذکور در ماده ۴۸۲ قانون مجازات اسلامی است و اگر مجازات آن تهدید باشد مجازات آن حبس موضوع ماده ۶۱۷ یا حسب مورد مجازات دیگری است.

ماده ۲۸۰ قانون مجازات اسلامی: " فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان دست به اسلحه برد محارب نیست" در این ماده قانونی وجود انگیزه شرافتمندانه که همان دفاع در مقابل محاربان باشد در تحقق جرم نقش داشته و در این فرض چنانچه دفاع کننده عمل ارتكابی وی متناسب و در چهارچوب مقررات شرعی و قانونی باشد هیچ مجازاتی متوجه وی نیست. و اگر دفاع شرایط دفاع مشروع را نداشته باشد و شدیدتر باشد با این فرض نیز محارب بر او صدق نمی‌کند و مجازات او متفاوت است و شاید در بعضی موارد به پرداخت دیه و تعزیر محکوم شود.

لذا انگیزه شرافتمندانه در دو ماده قانونی فوق هم در میزان مجازات و هم در عنوان دقیق مجرمانه موثر است.

ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی: " مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره‌ی مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه‌ی نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال تعیین و اجرا می‌شود"

با توجه به مقررات این ماده از جمله وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن انگیزه شرافتمندانه می‌تواند یکی از جهات تخفیف برای قاضی و اعمال مجازات جایگزین برای مجرم باشد.

۲.۲.۲ انگیزه شرافتمندانه در حقوق بین الملل

در حقوق بین الملل مثل حقوق داخلی کشورها مواردی وجود دارد که انگیزه شرافتمندانه در تحقق جرایم، عناوین مجرمانه و تعیین مجازات موثر است. از جمله اشتباه موضوعی را رافع مسؤلیت کیفری در برخی موارد تلقی کردند. در محاکم نورنبرگ و توکیو نیز این دفاع پذیرفته شده و به علاوه اعلام شد که باید با توجه به شرایط آن زمان به شکلی که به نظر متهم می‌رسیده است در مورد موضوع قضاوت کرد. یکی از فرماندهان آلمان در فنلاند به تصور این که قوای روس در حال تعقیب کردن وی هستند همه چیز را پشت سر خود منهدم کرده و در واقع سیاست زمین سوخته را پیاده کرد. علی رغم غلط بودن این باور چون در آن شرایط باور معقولی بود وی تبرئه شد. در خصوص موضوع دفاع مشروع در حقوق جزای بین الملل با همان شرایط حقوق داخلی می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد و در محاکم نورنبرگ و توکیو هم در مواردی پذیرفته شد. (میر محمد صادقی دکتر حسین، ۱۳۸۶، ۲۶۹)

۳. مصادیق انگیزه شرافتمندانه و میزان تأثیر آن در مجازات

۳.۱ مصادیق انگیزه شرافتمندانه و میزان تأثیر آن در مجازات مرتکب

با بررسی و تحقیق در حقوق جزای کشور ایران، حقوق جزای سایر کشورها و فقه اسلامی مصادیق مختلفی از عناوین مجرمانه وجود دارد که وجود انگیزه شرافتمندانه موجب می‌شود در برخی موارد شخص مرتکب از مجازات تبرئه شود. در برخی موارد عناوین مجرمانه تغییر می‌کند و در برخی اوقات از موجبات استفاده از نهادهای ارفاقی چون تخفیف، تعویق، آزادی مشروط، تعلیق در مجازات می‌شود. عناوین مجرمانه صحیح و تعیین مجازات منصفانه حسب مورد نسبت به اشخاص مرتکب، امری نسبی است نه امر مطلق. با این توضیح شخص الف شاید شخص ب را به وسیله اسلحه ناری به قتل برساند و این قتل نسبت به مرتکب عمد تلقی شود و مستوجب قصاص باشد و همین فرد را شخص ب اگر به قتل می‌رساند شخص مرتکب، محارب تلقی شود و اگر شخص پ او را به قتل می‌رساند دفاع مشروع تلقی شود و اگر شخص ت او را به قتل رساند دفاع ناقص تلقی شود.

در تمام صور مذکور احراز عناوین صحیح مجرمانه منوط به بررسی دقیق و احراز انگیزه مجرم خواهد بود و مجازات هر صورتی نیز متفاوت است. در خصوص شخص الف چون انگیزه عداوت شخصی داشته قتل عمدی مستوجب قصاص تلقی می‌شود و با گذشت اولیای دم مجازات قصاص منتفی است و در فرض دوم چون مرتکب قصد و انگیزه وی ارباب در جامعه

است محارب تلقی می‌شود و مجازات آن حدی است و با گذشت شکات خصوصی منتفی نیست و در صورت سوم که مرتکب در مقام دفاع مشروع مرتکب قتل شده مستوجب هیچ مجازات حدی و تعزیری و مدنی نخواهد بود و در فرض چهارم مرتکب چون در مقام دفاع مرتکب قتل شده است مستوجب قصاص نیست، لکن چون دفاع وی غیر متناسب بوده و از تجاوز تعدی کرده است باید دیه پرداخت کند و از لحاظ جنبه عمومی تعزیر می‌شود. صور دیگری نیز در همین مورد قتل مثل ارتکاب قتل در فراش، ارتکاب قتل با اعتقاد به مهدورالدم بودن وجود دارد که به لحاظ پرهیز از اطناب خودداری می‌شود.

۳.۱.۱ ارتکاب جرم به انگیزه صیانت از دین

گاهی یک مسلمان مرتکب یک جرم مثل قتل می‌شود و انگیزه وی صیانت از دین است در این گونه موارد نه تنها عقاب و مجازات نمی‌شود چه بسا اجر و پاداش هم دارد مثل فتوای مرحوم حضرت امام خمینی (ره) درباره سلمان رشدی چون از نظر امام خمینی (ره) که یک مرجع تقلید و ولی فقیه است سلمان رشدی را که به مقدسات دینی اسلام اهانت کرده بود مرتد و مهدورالدم معرفی و فرمودند: هر کس او را به قتل برساند مأجور است و فرمودند هر کس در این راه کشته شود شهید است.

با توجه به این فتوا مرتکب چنانچه با این انگیزه که سلمان رشدی به اسلام، پیامبر اکرم (ص) و قرآن اهانت کرده و یک مرجع تقلید فتوای اعدام او را داده است مرتکب قتل او شود چنین شخصی طبق نظر اسلام مرتکب عمل موجب سرزنش نشده بلکه مسلمانان او را تحسین و تقدیس می‌کنند و مجازات هم نمی‌شود.

قتل مرتد، قتل باغی، قتل محارب، قتل مفسد فی الارض و... از مصادیق ارتکاب جرم با انگیزه دینی است و این انگیزه از اسباب تجویز برای یک عمل محسوب می‌شود که در شرایط عادی جرم تلقی و مرتکب مجازات می‌شود. در ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مقنن "هر کس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم یا هر یک از انبیای عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند سبّ النبی است و به اعدام محکوم می‌شود. تبصره - قذف هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام یا حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و دشنام به ایشان در حکم سبّ النبی است".

با عنایت به مقررات فوق و مقررات شرعی در زمان حکومت اسلامی و در کشور ما اگر کسی با چنین فردی برخورد کرد مناسب است با مستند کردن موضوع مراتب را به دستگاه قضایی منعکس سازد و قاضی دادگاه با بررسی جامع در صورتی که شرایط شرعی و قانون جرم را احراز کرد حکم مقتضی را صادر کند و اگر چنین کاری را انجام نداده و خودش مباشرتاً به کشتن قاذف یا سبّ النبی اقدام کند چه بسا نتواند جرم را ثابت کند و مجازات شود. لکن اگر بتواند ثابت کند مقتول محقون الدّم نبوده و از مجازات قصاص رهایی می‌یابد و چه بسا با مجازات تعزیری پرونده مختومه شود.

به هر حال اگر مرتکب با انگیزه دینی قاذف و سبّ النبی را به قتل رساند مجازات وی با یک قتل معمولی متفاوت است، لکن به جهت جلوگیری از هرج و مرج و بی‌نظمی و مشکل بودن اثبات جرم و لحاظ این که سبّ النبی و قذف ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین طبق ماده ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی و موازین شرعی چنانچه قاصد نباشد و در حال مستی یا

عصبانیت حرفی زده باشد مجازات، وی اعدام نیست و اثبات این شرایط مستلزم بررسی قضایی خواهد بود. افراد عادی و غیرمسئول نباید دست به چنین کاری بزنند.

۲.۱.۲ ارتکاب جرم به انگیزه صیانت از ناموس، نفس و مال خود یا دیگری

عرض، جان و مال هر شخص محترم است و می باید در حریم امن قرار گیرد. حکومت اسلامی موظف است امنیت را در جامعه حفظ کند تا مردم احساس امنیت کنند و در سایه آرامش و امنیت در جامعه بتوانند فعالیت داشته باشند. چنانچه افرادی امنیت جامعه را مورد هدف قرار دهند، به اموال، جان و نوامیس مردم تعرض کنند و افرادی با این صحنه‌ها مواجه شوند و به لحاظ فوریت امکان گزارش به مأموران وجود نداشته باشد و در یک شرایط خاص قرار گیرند که برای دفع متجاوز و دفع ضرر باید کاری انجام دهند اقدامات آنان در صورتی که در چارچوب شرع و قانون باشد مورد حمایت قانونگذار قرار می گیرد.

به عنوان مثال در صورتی که فردی در خیابان قصد ربودن کیف یک خانم را دارد، قصد ربایش یک طفل را دارد، قصد مزاحمت بانوان را دارد و شخصی این صحنه را مشاهده کند و با وی درگیر شود و موجب وارد کردن صدمات بدنی به آنان شود، آیا چنین شخصی با فرض اثبات شرایط آیا مورد حمایت قانون گذار قرار می گیرد؟ آیا مستحق مجازات خواهد بود؟ آیا قضات موظف نیستند دفاعیات وی را استماع و مورد بررسی قرار دهند؟

ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی " هر کس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب الوقوع از قبیل آتش سوزی سیل طوفان زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود، قابل مجازات نیست. مشروط بر این که خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد." به عنوان مثال در یک حادثه سیل خانواده یک فرد که داخل خودرو هستند گرفتار گل و لای می شوند و برای این که این افراد نجات داده شوند باید با یک وسیله، سریع سقف ماشین شکافته و آنان را نجات داد. در حالی که تخریب خودرو جرم است لکن در این فرض که مرتکب با انگیزه نجات جان اشخاص مرتکب این تخریب می شود مجازات نمی شود. و یا در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی قانون گذار دفاع فرد از نفس، عرض، ناموس مال یا آزادی تن خود یا دیگری را در برابر هرگونه تجاوز با شرایط خاص مجاز می داند و مرتکب را از مجازات معاف می دارد لذا انگیزه شرافتمندانه در مورد مذکور موجب می شود یک عملی که در شرایط عادی جرم تلقی می شود و مرتکب مجازات شود از مجازات معاف شود یا در بعضی موارد مجازات وی تخفیف داده شود.

نتیجه گیری

با دقت در این نوشتار و با بررسی متون فقهی و مقررات کشورها سهم و نقش انگیزه در تحقق اصل جرم و تعیین عنوان دقیق مجرمانه و اعمال مجازات عادلانه و منصفانه روشن و واضح می شود. انگیزه در جرم پایه و شروع برای ارتکاب یک عمل نهی شده، می باشد. انگیزه آن چنان مهم است که حتی پس از ارتکاب جرم و اتمام دادرسی و صدور حکم برای مجرم چنانچه

قاضی احساس کند که مجرم در فرایند اجرای حکم در باطن و درون وی تغییر و تحول ایجاد شده است می‌تواند با ابزارهای قانونی و شرعی چون عفو، آزادی مشروط، و... فرد محکوم را کمک و او را به آغوش خانواده و جامعه برگرداند.

انگیزه در زمان ارتکاب جرم، پس از دستگیری و قبل از مجازات و در زمان تحمل مجازات نقش دارد. با توجه به اهمیت انگیزه باید قانون‌گذاران در مقام تقنین و مجریان در مقام اجرا به این موضوع اهتمام جدی داشته باشند. اصل تفرید در مجازات اقتضا می‌کند قضات محترم با تحقیق و بررسی شخصیت مجرم اوضاع و شرایط حاکم در زمان وقوع جرم و انگیزه شرافتمندانه و یا شرورانه وی را احراز و مورد توجه جدی قرار دهند. قضات در اعمال مجازات نباید ظاهر و پوسه جرم را ببینند بلکه باید باطن و عامل اصلی برای تحقق جرم را مورد دقت قرار دهند. اصل تفرید در مجازات علاوه بر این که ریشه در حقوق کشورها و دین اسلام سیره ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین دارد ریشه در فطرت پاک انسان‌ها نیز دارد. فردی را که سرقت می‌کند و گرسنه است و هدف وی سیر کردن زن و خانواده است با فردی که در همان سرقت مشارکت می‌کند ولی انگیزه وی جز جمع کردن ثروت نیست آیا وجدان یک انسان می‌گوید این دو مجازات آنان مساوی است؟ اگر شخصی با هدف براندازی نظام در جامعه اخلاص می‌کند با شخصی که به عنوان اعتراض به مشکلات اقتصادی و معیشتی در اجتماع مشکلاتی را ایجاد می‌کند و حتی ناامنی به وجود می‌آورد، آیا این دو فرد مجازات آنان مساوی است؟

با توجه به پرسش‌های فوق در این تحقیق مختصر تلاش ما بر آن بوده است اولاً نقش مهم انگیزه را در ارتکاب جرایم تبیین کنیم، ثانیاً دستگاه‌های امنیتی، پلیس و قضات را توجه دهیم که در ارتکاب جرم و بررسی دقیق و ملاحظه شخصیت مجرم انگیزه ارتکاب جرم را احراز کنند. ثالثاً قضات محترم با احراز انگیزه مجرم و شدت و ضعف آن مجازات متناسب را اعمال تا موثر واقع شود. رابعاً در فرایند اجرا چنانچه انگیزه اولیه مجرم برای ارتکاب جرم تغییر کرد و مجرم توبه کرد و خسارت ناشی از جرم را جبران کرد با اعمال نهادهای ارفاقی چون عفو او را به جامعه برگردانند. خامساً پس از خلاصی مجرم می‌باید سازمان‌هایی در جامعه وجود داشته باشد که بر شخصیت آن فرد نظارت داشته و چنانچه باطن منفی او تغییر کرده باشد و به یک شخصیت مثبت بدل شده باشد، بار دیگر از حقوق اجتماعی برخوردار شود و از جامعه طرد نشود.

منابع

- قرآن کریم.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، **غور الحکم و درر الکلم**، ج ۱، قم: دار الکتب الاسلامیه.
- سعدی، حسینعلی؛ مرتضوی، سید سلمان (۱۳۹۳)، **تأثیر انگیزه در تحقق عنوان جرم در فقه امامیه** دو فصلنامه علمی تخصصی پژوهشنامه فقهی.
- حاجی ده آبادی، دکتر میرعلی، حامدی محمدی، ۱۳۹۷، **نقش انگیزه در ارتکاب جرم از منظر حقوق کیفری ایران و غرب**، گروه حقوقی دانشگاه قم ایران.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۱، باب ۴۶، حدیث ۲.

- خمینی (امام)، سید روح الله، **تحریر الوسیله**، ج ۱، فصل دفاع.
- خوئی، سید ابوالقاسم (بی تا)، **مبانی تکمله المنهاج**، ج ۱، نجف اشرف: مطبعه الأداب.
- رحمانی مهر (۱۳۸۳)، **بازشناسی احکام صادره از معصومین علیهم السلام**، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم
- رحیمی صادق (۱۳۹۰)، **بررسی حدود اختیارات قاضی در فردی کردن مجازات‌ها در حقوق کیفری ایران**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.
- روزبهانی، مهرناز (۱۴۰۲)، **نقش انگیزه و داعی در ارتکاب جرایم در حقوق جزای ایران**، فصلنامه بین المللی قانون یار.
- سلطان آبادی، محمد قلی زاده؛ صفری مهر، محمدزاده مهنه؛ حمیدرضا شادمان فخرآبادی، روح الهدی (۱۴۰۰)، **نقش انگیزه در تحقق جرم و میزان مجازات در حقوق ایران**، فصلنامه رهیافت پیشگیری از جرم، ۲/۴.
- شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، **جامع الأخبار**، ج ۱، نجف اشرف: مطبعه حیدریه.
- صبوری پور، مهدی؛ ابراهیمی، روزین؛ ایمانی، مهرنوش (۱۴۰۱)، **امکان سنجی فردی کردن مجازات تبعی، مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، ۲۹، ۶۵-۹۰.
- فیض الاسلام (بی تا)، **ترجمه و شرح نهج البلاغه**، انتشارات فقیه، مرکز نشر آثار فیض الاسلام
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، **الکافی**، ج ۵، تهران: دار الکتب الاسلامیه
- مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۸۱، **قصه‌های قرآن**، دار الکتب اسلامیه
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۶)، **حقوق جزای بین المللی**، تهران: میزان.
- ناصر کربلایی، محمدرضا، **تأثیر انگیزه شرافتمندانه مجرم در مسئولیت کیفری**، اثر قلم

References

- The Holy Quran.
- Tamimi Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad (1410 AH), Gharr al-Hakam wa Darr al-Kalim, Vol. 1, Qom: Dar al-Kutb al-Islamiyya.
- Saadi, Hossein Ali; Mortazavi, Seyyed Salman (2014), The Effect of Motivation in Realizing the Title of Crime in Imamiyya Jurisprudence, Two Specialized Quarterly Scientific Journals, Jurisprudential Research Journal.
- Haji Dehabadi, Dr. Mir Ali, Hamed Mohammedi, 2018, The Role of Motivation in Committing a Crime from the Perspective of Iranian and Western Criminal Law, Law Department, Qom University, Iran.
- Hurr Ameli, Muhammad bin Hassan, Wasa'il al-Shi'ah, Vol. 11, Chapter 46, Hadith 2. - Khomeini (Imam), Seyyed Ruhollah, Tahrir al-Wasilah, Vol. 1, Defense Chapter.
- Khoei, Seyyed Abul-Qasim (B.A.), Maba'ni Takmem al-Minhaj, Vol. 1, Najaf Ashraf: Al-Adab Press.

- Rahmani Mehr (2004), Recognition of the rulings issued by the Infallibles, (peace be upon them), Publications of the Propaganda Office of the Qom Seminary.
- Rahimi Sadeq (2011), Examination of the limits of the judge's authority in individualizing punishments in Iranian criminal law, Islamic Azad University, Narag Branch.
- Roozbahani, Mehrnaz (2013), The role of motivation and incitement in committing crimes in Iranian criminal law, International Journal of Law.
- Soltanabadi, Mohammad Gholizadeh; Safari Mehr, Mohammadzadeh Mahneh; Hamidreza Shadman Fakhrabadi, Rooh-ul-Hoda (2011), The role of motivation in committing a crime and the amount of punishment in Iranian law, Quarterly Journal of Crime Prevention Approach, 4/2.
- Shairi, Mohammad bin Mohammad (Bita), Jame'e Al-Akhbar, Vol. 1, Najaf Ashraf: Heydariyeh Press.
- Sabouripour, Mehdi; Ebrahimi, Rozhin; Imani, Mehrnoush (1401), Feasibility of Individualizing the Consequential Punishment, Studies in Islamic Jurisprudence and Law, 29, 65-90.
- Faiz al-Islam (B.A.), Translation and Explanation of Nahjul al-Balagha, Faqih Publications, Center for Publishing Faiz al-Islam's Works - Kulani, Mohammad bin Yaqoob (1407), Al-Kafi, Vol. 5, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya.
- Makarem Shirazi Nasser, 2002, Stories of the Quran, Dar al-Kutb al-Islamiyya - Mirhamad Sadeghi, Hossein (2007), International Criminal Law, Tehran: Mizan.
- Nasser Karbalai, Mohammad Reza, The Effect of the Honorable Motive of the Offender on Criminal Responsibility, by Qalam.ces.